

قهوه‌خانه‌ها؛

میدان شعر و سیاست در عصر صفویه



• متین مدنی

چکیده

قهوه‌خانه‌ها در عصر صفوی، به‌ویژه در دوران شاه عباس اول، از مهم‌ترین فضاهای فرهنگی و اجتماعی ایران بودند. این مکان‌ها نه تنها محل استراحت و نشست و برخاست مردم، بلکه میدانی برای شعرخوانی، نقالی، شاهنامه‌خوانی و بحث‌های آزاد سیاسی به شمار می‌رفتند. پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی-ادبی و با تکیه بر منابع دست اول از جمله سفرنامه‌های شاردن و فیگوترا، به بررسی جایگاه قهوه‌خانه‌ها در بازتولید فرهنگ شفاهی و مشروعیت‌بخشی به ایدئولوژی صفوی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با کاهش حمایت دربار صفوی از شاعران، شعر فارسی به درون جامعه عمومی راه یافت و قهوه‌خانه‌ها بستر اصلی این گذار شدند. در این فضا، نقالان با بهره‌گیری از آثاری چون شاه‌اسماعیل‌نامه، فتح‌نامه عباسی، حمزه‌نامه، سمک عیار و حسین کرد شبستری، هویت ملی و مذهبی ایران صفوی را در میان طبقات مختلف مردم، از جمله نظامیان قزلباش، بازتولید و تثبیت می‌کردند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که قهوه‌خانه‌ها در این دوره، کارکردی فراتر از تفریح داشتند و به مثابه نهادی غیررسمی در خدمت گفتمان قدرت و هویت‌سازی جمعی عمل می‌کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی:

قهوه‌خانه، صفویه، شاهنامه‌خوانی، شعر، ادبیات شفاهی، ایران، تاریخ ایران اسلامی، شاه عباس صفوی.

یکی از مکان‌های فرهنگی در عصر صفویه قهوه‌خانه‌ها هستند، که در دوران شاه عباس اول، از مهم‌ترین مراکز فرهنگی و اجتماعی در ایران بودند. قهوه‌خانه‌ها، نسخه‌ی ایرانی کافه‌های اروپایی بودند که مردم علاوه بر استراحت در این مکان‌ها، به شعرخوانی، بحث‌های آزاد، نقالی و شاهنامه‌خوانی نیز می‌پرداختند. در متون تاریخی و ادبی عصر صفوی، نام چندین قهوه‌خانه مهم ذکر شده است. برای نمونه، قهوه‌خانه «بازار قیصریه اصفهان»، که محل گرد آمدن افراد مهم حکومتی از جمله شخص شاه عباس اول، برای دیدار اهل فرهنگ بود. قهوه‌خانه «شمس تی شی» در خیابان چهارباغ، که به سفارش شاه عباس دوم برای یکی از موسیقی‌دانان سرشناس شیرازی ساخته شد، قهوه‌خانه «بابافراش» در نزدیک نقش جهان، و قهوه‌خانه «حاجی یوسف قهوه‌چی» از دیگر قهوه‌خانه‌های مهم بودند. این قهوه‌خانه‌ها معماری خاصی داشتند؛ تعداد زیادی طاق‌نما و وجود چندین شاه‌نشین با قالی‌های فراوان، از ویژگی‌های معماری و فضاسازی این قهوه‌خانه‌هاست (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲). مردم معمولاً بخشی از وقت خود را در این مکان‌ها سپری می‌کردند و هنرمندان و شاعران و خطاطان و موسیقی‌دانان هم در این مکان‌ها حضور داشتند. شاهان صفوی نیز چنانکه ذکر شد، گاهی در این فضا حضور پیدا کرده و با حضار به گفتگو می‌پرداختند. همچنین، برخی منابع از آوردن مهمان‌های اروپایی و سفیران خارجی به قهوه‌خانه توسط شاهان خبر داده‌اند. در یکی از این دیدارها، شاه عباس، فرستادگان اسپانیایی، عثمانی، هندی، روسی و انگلیسی را به ضیافتی در یک قهوه‌خانه می‌برد و از آن‌ها پذیرایی می‌کند (دانشنامه ایرانیکا، قهوه‌خانه، علی آل داوود). دن گارسیا فیگوئرا (García de Silva Figueroa)، سفیر اسپانیا، در سفرنامه خود، در وصف قهوه‌خانه‌ای که رفته بود، آورده است: «تالاری است که وسط آن آب‌نمایی با چند فواره وجود داشته است. قسمتی از تالار قهوه‌خانه را با تعداد زیادی چراغ و شمع و آئینه انباشته بودند که سبب روشنایی فراوان آن بخش از تالار شده بود. بقیه قسمت‌های ساختمان کاملاً خالی و عریان و عاری از هر گونه زینتی بوده است. در یک طرف تالار اصلی سکویی به اندازه قد یک پسر بچه از سنگ قرار داشته که شاه عباس اول به همراه شعرا و بزرگان در این قسمت جلوس کرده بودند. در سایر قسمت‌های قهوه‌خانه نیز سکوهایی تعبیه شده بود که مردم بر روی آن نشسته و رقص پسر بچه‌های چرگس و گرجی را نظاره می‌کردند.» (فیگوئرا، ۱۳۶۳، ص ۳۴۲)



ژان شاردن هم در سفرنامه خود از قهوه‌خانه‌ها می‌نویسد: «قهوه‌خانه محلی است که در آن جمعیت کثیری از طبقات مردم گرد می‌آیند. در قهوه‌خانه‌ها از صبح پگاه تا شب به روی همگان باز است. مخصوصاً هنگام غروب پر از جمعیت می‌باشد. همه می‌توانند بی ترس و بیم درباره سیاست به آزادی صحبت کنند. در قهوه‌خانه‌ها، مردم خود را به بازی‌های مجاز و سرگرم‌کننده، نظیر شطرنج و نرد مشغول می‌دارند. افزون بر این‌ها، ملایان، درویشان و شاعران نیز به نوبه خود در قهوه‌خانه‌ها میدان‌داری می‌کنند. فی الجمله دامنه آزادی در این مراکز اجتماع چندان گسترده است که همانند آن در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد. درویشان، ملایان، شاعران، حماسه‌پردازان و داستان‌سرایان معمولاً سخن خود را با گفتن این جمله ختم می‌کنند: پند و موعظه بس است.» (شاردن، ۱۳۷۵، ص ۶۲۸)

در دوره صفویه، شاعران خیلی مورد توجه پادشاهان نبودند و آنچه شاهان صفوی می‌پسندیدند بیشتر اشعار مذهبی و حماسی بود. به همین جهت، شعر عصر صفوی به میان عوام مردم راه پیدا می‌کند و یکی از این مکان‌ها را می‌توان قهوه‌خانه‌ها دانست. ورود شعر در این دوره به بافت عمومی جامعه موجب شکوفایی ذوق جمعی و پدید آمدن شاعرانی از تمام طبیف‌های جامعه شده بود. برای مثال، از شاعران معروف عصر صفوی که شغل بازاری داشتند و شعر-های خوبی هم سروده‌اند می‌توان به «شاطر عباس صبوحي»، قصاب کاشانی اشاره کرد. شعر فارسی، در اثر مهاجرت شاعران به هند و ارتباطات فرهنگی گسترده، دچار تغییر در ذوق و ذائقه شد و در نتیجه، نوعی «شعر شهری» و «عامه‌پسند» پدید آمد. با این حال، در عصر صفویه، با ایجاد ثبات سیاسی و تمرکز بر شهرهایی چون اصفهان، بستری فراهم شد که شعر، در میان طبقات مختلف مردم رواج یابد و همین گسترش اجتماعی شعر، به ظهور شاعرانی انجامید که در کنار پیچیدگی‌های فکری سبک هندی، به زبان و تصویرهایی نزدیک به زندگی روزمره نیز روی آوردند. قهوه‌خانه‌ها از این مکان‌های عمومی بودند که شاعران در آن، شعر خود را عرضه می‌کردند. (صفا، ۱۴۰۱)

با آمدن شعر به قلب جامعه، شاهنامه‌خوانی و نقالی از جمله فعالیت‌هایی بود که در قهوه‌خانه‌ها رونق

گرفت. این کار هم مورد پسند عوام مردم بود و هم صاحبان قهوه‌خانه‌ها از آن استقبال می‌کردند؛ چرا که منجر به جذب مشتری و سود بیشتر برای آن‌ها می‌شد. با پیدایش چنین فضایی، شرایط برای سرایش شاهنامه‌ها پدید می‌آید و بسیاری از شاعران این عصر به سرایش اشعار حماسی و متناسب با فضای نقالی روی می‌آورند.



در قهوه‌خانه‌ها، علاوه بر اشعار شاهنامه فردوسی، از آثار دیگری هم استفاده می‌شد؛ آثاری که با اجرای آن‌ها توسط نقالان، به ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی حافظه شفاهی مردم و گفتمان دینی و حماسی آن دوران تبدیل می‌شدند. آن‌ها هویت ایران صفوی را که بر پایه تشیع رسمی و اقتدار پادشاهی بنا شده بود، از طریق زبانی آشنا و مورد پسند عامه تثبیت می‌کردند. در نتیجه، قهوه‌خانه‌ها را می‌توان محلی برای مشروعیت‌بخشی به جنگ‌ها و پیروزی‌های صفوی دانست. ضمن اینکه در این قهوه‌خانه‌ها نظامیان، فرماندهان و سربازان صفوی هم حاضر بودند و روحیه آن‌ها با شنیدن این اشعار حماسی تقویت می‌شد. «شاهنامه‌خوانان معمولاً خود شاعر یا ادیب بودند. رواج شاهنامه‌خوانی دلیل اجتماعی نیز داشت، چراکه در جامعه صفویه، گروه نظامی خاصی به نام «قزلباش» وجود داشت که وظیفه اصلی ایشان شرکت در جنگ‌ها و حفظ روحیه جنگی بود. قزلباش‌ها از جمله مشتریان دائم قهوه‌خانه بودند که طبعاً نقل‌های پهلوانی نقالان از شاهنامه، می‌توانست تاثیر بسیاری بر روحیه جنگجوی آنان بگذارد.» (جعفری، ۱۳۹۵)

۱- «شاه اسماعیل‌نامه» اثری منظوم است از محمدقاسم قاسمی حسینی گنابادی (متوفی ۹۸۲ هجری قمری) که به شرح زندگی، فتوحات و دلاوری‌های شاه اسماعیل اول صفوی می‌پردازد. این اثر یک منظومه حماسی-تاریخی است که در قالب مثنوی (وزن متقارب) سروده شده است و تعداد ابیات آن در نسخه‌های موجود چیزی حدود ۴,۳۲۵ بیت ذکر شده است. زبان اثر تا حدودی ساده و روان است که تمرکز بر وصف صحنه‌های جنگی، مناقب مذهبی، و اوصاف پادشاه دارد. این اثر در اصل متعلق به شاعری به نام هاتفی بود که او موفق به اتمام این اثر نشد. سپس شاه طهماسب، پسر شاه اسماعیل، قاسمی گنابادی را تشویق کرد که این اثر ناتمام هاتفی را به پایان برساند. در تاریخ ادبیات ایران، عمده‌تأ این اثر به نام «شَه‌نامه‌ی ماضی» شناخته شده است. «از عناوین مهم و مضامین محوری شاه اسماعیل‌نامه می‌توان به تحمیدیه، نعت پیامبر، منقبت ائمه اطهار به ویژه امام علی(ع) و نیز ستایش دلاوری‌های شاه اسماعیل صفوی در نبردهای مختلف با هدف کشورگشایی و تلاش در راستای گسترش مذهب تشیع و تثبیت عنصر وحدت ملی ایرانیان و ایجاد کشوری مستقل با حدود و ثغوری معین و مشخص اشاره کرد.» (طاهری خسروشاهی، بی‌تا)

نمونه‌ای از ابیات شاه اسماعیل‌نامه:

چو کردم به معجز قلم را عَلم
دو شهنامه سر زد مرا از قلم
دوشهنامه ام راسعادت قرین
دو پیکر کند صد هزار آفرین
مرا مرغ همت که صد ناز کرد
دو بالی چنین دید، پرواز کرد
علی و محمد چو خورشید و ماه
دو نورند روشن در این کارگاه
دو جودت دوشاهی چنین سرفراز
به این وبه آن در دو عالم بناز
دو شهنامه کاراستم از هوس
به اقبال و امدادشان بود و بس

۲- **فتحنامه صادقی بیگ افشار یا فتحنامه عباسی**، یک منظومه حماسی-تاریخی است که به زبان فارسی و بر وزن شاهنامه، توسط صادقی بیگ افشار سروده شده است. او علاوه بر شاعری، نقاش و خوشنویس مشهور دوره صفوی نیز بوده است. این اثر، تحت تأثیر شاهنامه و تا حدودی اسکندرنامه سروده شده و شاعر تلاش کرده است که از ابزارهای موسیقی شعری و آرایه‌های بلاغی مانند تشبیه، کنایه و ترکیب‌بندی‌های واژگانی بهره بگیرد تا جنگ‌ها، فتح‌ها و صعود قدرت شاه عباس را تصویر کند. شاعر این اثر، شخصی نزدیک به دربار و در رأس کتابخانه سلطنتی صفوی بوده است، روایت او از وقوع برخی رویدادها می‌تواند نزدیک به منابع رسمی آن زمان باشد و برای محققان تاریخ دوره صفوی از ارزش بسیاری برخوردار است. (مهری و همکاران، ۱۴۰۱)

۳- یکی دیگر از آثار مورد استفاده نقّالان عصر صفوی «حمزه‌نامه» است. حمزه‌نامه (رموز حمزه یا زبده الرموز) یکی از آثار برجسته‌ی ادب عامیانه و اسطوره‌ای در ادبیات فارسی است که در دوره‌های مختلف اسلامی به‌ویژه دوران صفویه محبوبیت فراوان داشته است. زبده الرموز (رموز حمزه یا حمزه‌نامه) یک حماسه منثور و عامیانه است که تقریباً در تمام بلاد اسلامی و به زبان‌های مختلف نقل می‌شده است. به نظر می‌رسد «زبده الرموز» یکی از تحریرهای مفصل «داستان حمزه» بوده که در هفت جلد تنظیم شده است. برخی، شخصیت اصلی این داستان را حمزه سیدالشهداء، عموی پیامبر(ص) می‌دانند و برخی معتقدند که شخصیت دیگری ست. ظاهراً حمزه‌خوانی در میان نقّالان عصر صفوی رواج داشته است. دو تن از حمزه‌خوانان دوره صفوی معروف‌تر از دیگران‌اند: یکی حسینا صبحی (د. ۱۰۷۸ ق/ ۱۶۶۷ م) نام دارد که در موسیقی و نواختن چهارتار استاد بود و قصه حمزه و شاهنامه را هم خوب می‌خواند؛ و دیگری، میرزا محمد که «فارس» تخلص می‌کرد. نقل حمزه‌نامه به حدی رایج بود که دستورالعمل‌هایی برای این کار تهیه شده بود. مثلاً عبدالنبی فخرالزمانی کتابی با عنوان دستور الفصحاء تألیف کرده و در جهت خواندن قصه

امیرحمزه و آداب آن مطالبی نوشته بود تا برای قصه‌خوانان دستوری و روشی باشد. امروزه از این کتاب نسخه‌ای در دست نیست، اما از فخرالزمانی اثر دیگری با عنوان طراز الاخبار در دست است که به همین منظور تألیف شده است. (امید سالار، ۱۳۹۸)

۴- «سمک عیار» یکی از کهن‌ترین و مشهورترین آثار نثر داستانی عامیانه به زبان فارسی است، که در آن، عناصر حماسی، عاشقانه، فولکلوریک و اسطوره‌ای به هم آمیخته‌اند. جمع این اثر به صورت یک کتاب ظاهراً در قرن ششم صورت گرفته و نویسنده‌ای به نام فرامرز بن خداداد بن عبدالله کاتب الراجانی آن را گردآوری و ثبت کرده است، اما خود داستان‌ها پیش از این به صورت شفاهی و عامیانه در میان مردم نقل می‌شده‌اند. بین محققان اختلاف نظری در نوع ادبی این اثر وجود دارد؛ بعضی آن را حماسه می‌دانند، برخی رمانس، برخی نیز آن را جزء قصه‌های پهلوانی یا عیاری طبقه‌بندی می‌کنند. از نظر موقعیت در ادبیات، «سمک عیار» صرفاً یک قصه ساده نیست، بلکه اثری است که بخشی از فرهنگ عامیانه، باورها، آرمان‌های اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی گذشته ایران را بازتاب می‌دهد. (نوروزی، ۱۳۸۶)

سمک عیار محصول سنت قصه‌گویی عامیانه نقالی است. متن مکتوب‌شده، ریشه در روایت‌های شفاهی جامعه داشت و پیش از ثبت به صورت مکتوب در قرن ششم هجری، توسط راویان و نقالان برای مردم بازگو می‌شده است. این اثر همان ساختار و زبان ساده و عینی‌ای را دارد که برای اجرا در قهوه‌خانه‌ها کاملاً مناسب است. نقالان و قصه‌گویان در قهوه‌خانه‌ها و کاروان‌سراها از ابزارهای بصری و کلامی استفاده می‌کردند و مجموعه‌هایی مانند سمک عیار که جزء داستان‌های پهلوانی-عیاری به حساب می‌آمدند در قهوه‌خانه‌ها و فضاهایی از این قبیل، قابل اجرا بودند. سمک عیار به مسائل جنگی و آداب رزم و چگونگی فنون آن هم اشاره می‌کند و آداب و اخلاق پهلوانان و عیاران را نیز بازگو می‌کند. (طغیانی و پوده، ۱۳۹۶)

۵- حسین کرد شبستری از داستان‌های بلند عامیانه و یکی از محبوب‌ترین داستان‌های عامیانه به زبان فارسی است، که ترکیبی از عناصر دینی، حماسی و عیاری را شامل می‌شود. زمان تألیف دقیق آن معلوم نیست؛ معمولاً گفته می‌شود در اواخر دوره صفوی یا اوایل دوره قاجار شکل گرفته است. نویسنده آن ناشناخته و احتمالاً بر پایه روایت‌های شفاهی و نقالی شکل گرفته است. یکی از نسخه‌های قدیمی مکتوب آن، مربوط به سال ۱۲۵۵ قمری است. این داستان در فضای مبارزه ایرانیان شیعه با ازبکان و دشمنان مذهبی آن‌ها در دوره شاه عباس صفوی شکل یافته است. از آنجایی که شاهان صفوی و فرماندهان نظامی صفویه به قهوه‌خانه‌ها رفت و آمد داشتند، می‌توان گفت خوانش این داستان در این فضا، روشی برای سرگرم کردن و تقویت روحیه حماسی آن‌ها به حساب می‌آمده است. روایت و روش بازگویی مفاهیم و جملات این داستان به نحوی هستند که متناسب با فضای نقالی در قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و میدان‌های معركة می‌باشد. در این داستان تمرکز بسیاری بر وجهه پهلوانی و کنش‌های پهلوانانه وجود دارد. (لباسچی، ۱۳۹۸)



نتیجه‌گیری

قهوه‌خانه‌های عصر صفویه را نمی‌توان صرفاً مکانی برای نوشیدن قهوه و گذران وقت دانست. این فضاها در بستر تاریخی و فرهنگی خود، کارکردهایی چندلایه و درهم‌تنیده داشتند که این مقاله کوشیده است آن‌ها را از سه منظر اصلی واکاوی کند: نخست، قهوه‌خانه‌ها فضایی برای دموکراتیک‌شدن ادبیات بودند. در دوره‌ای که دربار صفوی از حمایت جدی شاعران غزلسرا و قصیده‌پرداز روی گرداند و توجه خود را به اشعار دینی و حماسی محدود کرد، شعر فارسی ناچار شد مخاطبان خود را در میان عامه مردم بجوید. قهوه‌خانه‌ها این گذار را ممکن ساختند و بستری فراهم کردند که شاعرانی از اقشار مختلف، از جمله صنعتگران و بازاریان، به سرایش و عرضه شعر بپردازند. این فرایند در نهایت به شکل‌گیری نوعی «شعر شهری» انجامید که ذوق عمومی جامعه را بازتاب می‌داد. دوم، قهوه‌خانه‌ها ابزاری برای بازتولید هویت ملی و مذهبی بودند. نقالان و شاهنامه‌خوانان با بهره‌گیری از متون حماسی و دینی، از شاه اسماعیل‌نامه گرفته تا حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری، روایتی منسجم از هویت ایرانی-شيعی را در اذهان مردم تثبیت می‌کردند. این آثار، دیوار فاصل میان تاریخ رسمی و حافظه شفاهی جمعی را فرو می‌ریختند و مفاهیمی چون وحدت ملی، دفاع از آیین تشیع و اقتدار پادشاهی را به زبانی ساده و مؤثر به مخاطبان منتقل می‌ساختند. سوم، قهوه‌خانه‌ها نهادی در خدمت مشروعیت سیاسی بودند. حضور نظامیان قزلباش در این مکان‌ها و تأثیر روایات پهلوانی بر روحیه جنگی آنان، نشان می‌دهد که قهوه‌خانه‌ها به‌طور غیررسمی در خدمت اهداف حکومت عمل می‌کردند. همچنین حضور گاه‌وبی‌گاه شاهان و بردن مهمانان خارجی به این مکان‌ها، دلالت بر آن دارد که قهوه‌خانه بخشی از دیپلماسی فرهنگی صفویه نیز بوده است. در مجموع، قهوه‌خانه‌های عصر صفوی را می‌توان نمونه‌ای کامل از «فضای عمومی» در معنای تاریخی آن دانست؛ فضایی که در آن، شعر، سیاست، دین و هنر در هم می‌آمیختند و خطوط میان حوزه خصوصی و عمومی، فرهنگ رسمی و عامیانه، و سرگرمی و ایدئولوژی را محو می‌کردند.

منابع

- ۱- امید سالار، محمود (۱۳۹۸). حمزه نامه. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲- جعفری، عماد (۱۳۹۵). «نقالی؛ هنر ایرانی ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو»، وبسایت کجارو.
- ۳- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.
- ۴- شاردن، ژان (۱۳۷۵). سفرنامه شاردن. ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- ۵- صفا، ذبیح‌الله (۱۴۰۱). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- ۶- طاهری خسروشاهی، محمد (بی‌تا). «شاه اسماعیل‌نامه؛ منظومه‌ای حماسی-شيعی از مکتب آذربایجان در سده دهم هجری»، مجموعه مقالات در حوزه تاریخ، فرهنگ، نسخ خطی و اسناد، ۸۵-۶۶.
- ۷- طغیانی، اسحاق و پوده، آزاده (۱۳۹۶). «تأملی در آداب و رسوم داستان سمک عیار». متن‌شناسی ادب فارسی، ۳۳-۴۷.
- ۸- فیگوئرا، دن گارسیداسیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئرا. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- ۹- لباس‌چی، نفیسه (۱۳۹۸). حسین کرد شبستری. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۰- مهری، بهروز؛ مختاری، مسروره و پوراالخاص، شکرالله (۱۴۰۱). «معرفی و سبک‌شناسی فتح‌نامه صادقی بیگ افشار». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۵ (۴)، ۲۳۹-۲۶۳.
- ۱۱- نوروزی، خورشید (۱۳۸۶). «تحلیل نوع ادبی سمک عیار». ادبیات عرفانی اسطوره‌شناختی، (۹).